عهد
دوهفته نامه فرهنگی خانه طلاب جوان
جمادی الثانی ۱۴۴۲
دی ماه ۱۳۹۹
۶۸
پویشی برای ترسیم سیمای «طلبه عصر انقلاب»

هدیه: هزار تومان
شماره کارت: ۶۰۳۷۹۹۱۸۹۹۵۳۶۸۱۱
به نام خانه طلاب جوان قم

ویژه نامه

امام موسی صدر

واکاوی شخصیت و اندیشه امام موسی صدر

- امام موسی با شاه ملاقات کرده است!/ دکتر مهدی مهتدی
- یکی از آن بیست نفر/ دکتر شریف لک زایی
- امام موسی صدر اهل سنت را ضلع اصلی قدرت اسلام می‌دانست/ گفتگو با دکتر مهدی فیروزان
- دو امام با یک انقلاب/ علی صادقی

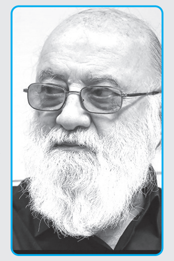

امام: من امام موسی صدر را بزرگ کرده‌ام

گفتگو با مهدی چمران پیرامون شخصیت انقلابی امام موسی صدر

سرآغاز

گفتاری از امام موسی صدر رحمة‌الله‌علیه

نـــه چـــپ، نـــه راســـت

ویژگی انقلاب ایران

نهضت مردمی ایران با تمامی حرکت‌های مشابه خود در جهان تفاوت دارد، زیرا چشم‌انداز جدیدی فراروی تمدن بشری قرار داده است، بنابراین، شایسته است که همهٔ علاقه‌مندانِ قلمروها و مسائل مربوط به انسان و تمدن و تحولات آن را با دقت دنبال کنند، نهضت مردم ایران به‌رغم گستردگی‌ای که دارد و به‌رغم اتهاماتی که رژیم بر آن وارد می‌کند، از گرایش‌ها و ریشه‌ها و اهداف و اخلاقیات اصیل و والایی برخوردار است. نیروهای راست از صحنهٔ نهضت غایب‌اند، هرچند که نفت و منافع نفت و آنچه نفت نمایندهٔ آن است، در آن موضوعیت دارد، نیروهای چپ بین‌المللی نیز از صحنهٔ نهضت غایب‌اند، هرچند که ایران و اتحاد شوروی بیش از هزار کیلومتر مرز مشترک دارند، حزب کمونیست ایران حضور چندانی در نهضت ندارد، هرچند که از قدیمی‌ترین احزاب این منطقه به شمار می‌رود، بنابراین، هیچ‌یک از نیروهای چپ و راست محلی، به این اعتبار که نمایندهٔ یکی از دو قطب جهان هستند، کمترین تأثیری بر این نهضت ندارند.

ملت ایران این مسائل را به‌خوبی می‌داند، او می‌داند که این رژیم که نهضت را به واپس‌گرایی متهم می‌کند، خود با سرکوب آزادی و اتخاذ روش‌های بدوی حکمرانی، همهٔ نظام‌های ارتجاعی را روسفید کرده است، ملت ایران می‌داند که این رژیم، برای جلب رضایت قدرت‌های بزرگ، در قربانی کردن منافع مردم و پیشکش کردن ثروت‌های آنان، هرگز تردیدی به خود راه نداده است ..... این ملت به‌رغم اینکه سلاحی در دست ندارد، با خون خود، قهرمانانه، مبارزه می‌کند و قدرتی شکست‌ناپذیر ایجاد می‌کند.

انقلابیون ایران به هیچ طبقه خاصی منحصر نیستند

انقلابیان ایران به هیچ طبقهٔ خاصِ اجتماعی منحصر نیستند، بلکه از همهٔ ایران برخاسته‌اند: دانشجویان، کارگران، تحصیل‌کردگان، روحانیان و... همه و همه در این انقلاب حضور دارند، ملت ایران با همهٔ نسل‌های مختلف خود در این انقلاب شرکت جسته است، بازار و مدارس و مساجد و شهرها و حتی کوچک‌ترین روستاها در این انقلاب مشارکت دارند.....

حق آن است که بگویم خاستگاه این جنبش و ایمان و آرمان آن، همان اهداف گشودهٔ انسانی و اخلاقِ انقلابی است، موجی که امروز ایران را درمی‌نوردد، بیش از هر چیز ندای پیامبران را در اذهان انسان‌ها تداعی می‌کند؛ ندای راستین حرکت پیامبران را، قبل از اینکه دستخوش انحراف‌های صاحبان مذاهب و فِرَق و منفعت‌طلبان قرار گیرد.

اهداف نهضت، در مصاحبهٔ مورخ ششم می ۱۹۸۷ رهبر آن، امام خمینی بزرگ، با روزنامهٔ لوموند، به‌روشنی تصریح‌شده است، او با تأکید بر اصالت این جنبش به ابعاد ملی و فرهنگی و رهایی‌بخش آن اشاره می‌کند. حوادث جاری ایران و رخدادهای عظیم آن چند نکتهٔ اساسی را فراروی جهان امروز قرار داده است:

۱. کسانی که به مسائل انسان و تمدن بشری اهمیت می‌دهند، شایسته است که این تجربه انسانی منحصربه‌فرد را که اکنون در ایران جریان دارد، به‌دقت بررسی و در برابر تبلیغات مخالف و مغرضانه از آن حمایت کنند.

۲. رژیم شاه پس از ۳۷ سال حکومت و به‌رغم برخورداری از بیشترین امکانات، در همهٔ امور، حتی در این حد که خود را از خشم ملت در امان نگه دارد، ناکام مانده است، این‌همه در حالی است که بزرگ‌ترین انبار تسلیحاتی جهان سوم در اختیار همین رژیم قرار دارد.

۳. ارزش‌های اخلاقی انسان متمدن، امروز در ایران در معرض خطر است، تا زمانی که رژیم ایران با ادعاهای پیشرفت و دموکراسی به اعمال سرکوبگرانه و خونریزی و سلب آزادی ادامه می‌دهد، هرقدر هم که در جهان حمایت شود، نمی‌توان از این ارزش‌ها پاسداری کرد.

٤. رژیمی که امروز با امواج نارضایتی مردم و خیل ناآرامی‌های داخلی به لرزه درآمده است، دیروز از تضمین امنیت خلیج‌فارس، اقیانوس هند و حتی سومالی سخن می‌گفت، این امر بیانگر آن است که هیچ‌چیز بیش از جنبش‌های مردمی این‌چنین آن را پریشان و آزرده نمی‌کند، از جملهٔ این حرکت‌ها «جنبش محرومان» لبنان است که فعالیت آن در میان مردم ایران انعکاس فراوان یافته است. قتل‌عام‌های وصف‌ناپذیری که هم‌اکنون ایران را خونین کرده است و رژیم تلاش دارد بر آن‌ها سرپوش بگذارد، هشداری به انسان معاصر، به وجدان و به احساس مسئولیت اوست، شایسته است که انسان‌ها تصویر واقعی این کشتارها و سرکوبگری‌ها را به جهانیان عرضه بدارند و ضمن چنین خدمتی، بیزاری خود را از این اعمال نمایان سازند.

سیره علما

حدس شما صائب بود

آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی از روحانیون مبارزی بود که در اندیشه و عمل با نهضت اسلامی پیوند داشت، یکی از مهم‌ترین فرازهای زندگی مبارزاتی آیت‌الله مصباح‌یزدی، نامه ایشان به امام خمینی در دهه ۴۰ است، آیت‌الله مصباح یزدی در این نامه ضمن اشاره به موانع پیشروی نهضت، تحلیل خود از شرایط حاکم بر جامعه و پیش‌بینی آینده نهضت اسلامی را ارائه می‌کند. علامه مصباح‌یزدی ماجرای نگارش این نامه را از شیرین‌ترین خاطرات خود خوانده و می‌گوید: «ارتباط بنده با امام قبل از شروع نهضت، ارتباط شاگرد و استاد بود و ویژگی خاصی نداشت؛ اما پس از شروع نهضت، رابطه‌ی بنده با ایشان بیشتر شد، به حدی که **گاهی دستورات محرمانه‌ای که داشتند، نیمه‌شب به بنده و آقای هاشمی ابلاغ می‌فرمودند**، ما هم در حد توان آن‌ها را انجام می‌دادیم و ایشان هم حسن نظر خاصی داشتند. پس از ۱۵ خرداد، که ایشان را دستگیر کردند، مدتی در قیطریه‌ی تهران تحت نظر بودند و فقط مرحوم آیت‌الله سید صادق لواسانی از دوستان نزدیک حضرت امام

و بعضی از افراد خانواده حق ملاقات با ایشان را داشتند، لذا آقای هاشمی رفسنجانی به بنده پیشنهاد کردند که تحلیلی از اوضاع بنویسیم و برای ایشان بفرستیم.

آقای هاشمی، نامه‌ی مفصلی متضمن تحلیل اوضاع از زمان دستگیری امام و نقش افراد و گروه‌ها از مراجع و غیر مراجع و فعالیت و خدمات افراد و طرز فکر مؤثرها و عملکرد اصناف گوناگون مردم و حوزه‌های شهرستان‌ها نوشتند، من هم نامه‌ای تنظیم کردم که در اواخر آن نوشته بودم: **پیش‌بینی می‌کنم به‌زودی شما را آزاد می‌کنند و ان‌شاءالله به قم تشریف می‌آورید، خوب است برای آینده این مطالب را در خاطر مبارک داشته باشید**، پیشنهادهایی هم در مورد اقداماتی که در حوزه و فعالیت‌هایی که در داخل و خارج از کشور - حتی در ارتش - باید صورت پذیرد به عرضشان رسانده بودم.

در آن نامه چکیده‌ای از فعالیت‌هایی که در غیاب امام انجام‌شده بود، تنظیم کرده، توضیح دادیم که کارها به کجا رسیده است؛ چه افرادی، همفکر ایشان هستند و چه اشخاصی اختلاف نظرهایی دارند و طلاب چه فعالیت‌هایی داشتند؛ موضوع سخنِ سخنوران و واعظان چه بود؛ علما چه تصمیماتی گرفتند؛ دانشجویان و دیگران ـ حتی ارتشی‌ها ـ در چه‌کارند؛ دولت در مقابل هر یک از این طبقات، چه موضعی گرفته و برای آنان چه خط‌ونشان‌هایی کشیده است. بنده در پایان‌نامه نوشته بودم که ان شاءالله شما به‌زودی آزاد خواهید شد و به قم تشریف خواهید آورد؛ زمانی که تشریف آوردید، به این نکته‌ها توجه خواهید فرمود؛ از مردم، طلاب و علما چگونه قدردانی بشود؛ ازجمله درباره‌ی ارتشی‌ها مطالبی را یادآور شدیم؛ البته ما ـ به‌اصطلاح ـ فضولی یا بهتر بگویم، کم‌طاقتی کرده بودیم؛ زیرا فکر می‌کردیم که امام، در جریان همه‌ی آن مسائل نیستند؛ ازاین‌رو بنده و آقای هاشمی، این دو نامه را به‌طور مبسوط نوشتیم و برای ایشان فرستادیم. نامه‌ها به دست امام رسیده بود. آقای شیخ حسن صانعی پس از چند روز پیغام آورد که **امام فرمود: «از فلانی (یعنی بنده) برای این نامه‌اش تشکر کنید». امام از کار ما خرسند بود؛ البته آن جمله هم تشویقی پدرانه بود.**

بعدها این نامه در منزل ایشان به دست ساواک افتاد و همین نامه ازجمله دلایلی بود که مرا به سبب آن تعقیب کردند، به‌هرحال، امام از این نامه بسیار خوشحال شدند و همان زمان آقای شیخ حسن صانعی را فرستادند که از فلانی به‌واسطه‌ی نامه‌اش تشکر کنید، من این را حمل بر بزرگواری و ذره‌پروری ایشان کردم، ولی ظاهراً چیزی بیش از این بود، اتفاقاً خدا خواست و پس از مدتی نه‌چندان طولانی، ایشان را آزاد کردند.

شبی نزدیک به ایام حج در منزل آقای هاشمی با «گروه یازده‌نفری» مشغول تهیه‌ی اعلامیه‌ای مفصل برای مکه با عنوان «أجیبوا داعی الله» (دعوت‌کننده‌ی به‌سوی خدا را اجابت کنید) بودیم که خبر رسید حضرت امام را آزاد کردند، بعضی از دوستان گفتند خوب است همین‌الان به دیدار ایشان برویم، گفتم: خسته‌اند، تازه از راه رسیده‌اند، صحیح نیست مزاحم ایشان بشویم. به‌هرحال، صبح اول وقت، من رفتم که خدمت ایشان شرفیاب شوم، دیدم جمعیت انبوهی آنجا هستند که به‌سختی باید وارد شد، ایشان جلوی یکی از درب‌های اتاق که مشرف‌به حیات بود، نشسته بودند، از میان جمعیت سلامی کردم، ایشان لبخندی زدند و همان‌جا گفتند: «حدس شما صائب بود.» این جمله بسیار در من اثر گذاشت، هیچ‌وقت آن لبخند و طنین کلام امام را فراموش نمی‌کنم.

این خاطره از خاطره‌های بسیار شیرین زندگی من است و در آن دوران، علاقه‌ی مرا به ایشان زیادتر کرد. نمی‌دانستم که ایشان تا این حد به تمام دقایق توجه دارند، آن‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهند و پیگیری می‌کنند، پس‌ازاین هم، در اعلامیه‌هایی که ایشان می‌نگاشت یا در کارهایش که می‌خواست انجام بدهد یا زمانی که لازم بود سخنرانی مهمی ایراد بکند، به‌طورمعمول به دوستان می‌فرمود که اگر مطلبی به نظر شما می‌رسد، یادداشت کنید و به من بدهید؛ البته این را هم می‌فرمود که انتظار نداشته باشید، هرچه می‌گویید، انجام بدهم؛ درعین‌حال، اگر نکته‌ای به نظرتان می‌رسد، بگویید. هنگامی‌که سخنرانی مهمی داشتند، اگر مطلب و یا نکته‌ای به نظر می‌رسید که گفتنش لازم بود به‌طور کتبی خدمت ایشان تقدیم می‌کردیم.

من و کتاب

امام موسی صدر

امام موسی صدر اگرچه لبنان را محل اصلی فعالیت‌های خود قرار داده بود، اما هیچ‌گاه از دیگر مسائل جهان اسلام و ایران اسلامی غافل نبود و تلاش های فراوانی را در راستای شکل گیری انقلاب اسلامی ایران انجام داد، **انقلاب اسلامی ایران، امنیت حوزه‌های علمیه، اتحاد عربی اسلامی جهت مبارزه با اسرائیل و گسترش تشیع در آفریقای سیاه، مهم‌ترین دغدغه‌های خارج از لبنان ایشان را تشکیل می‌دادند**، در پی دستگیری امام خمینی و در اوایل تابستان ۱۳۴۲، امام موسی صدر راهی اروپا و شمال آفریقا گردید، تا از طریق واتیکان و الازهر، شاه ایران را برای آزادسازی امام خمینی تحت‌فشار قرار دهد. با آزاد گشتن امام در پایان این سفر، آیت‌الله خویی تصریح نمود که این آزادی، بیش از هر چیز مرهون سفر آقای صدر بوده است، در پی تبعید امام خمینی به ترکیه در پاییز سال ۱۳۴۳، امام موسی صدر اقدامات مشابهی را به انجام رساند، تا ضمن تأمین امنیت آن بزرگوار، ترتیبات انتقال ایشان به عتبات عالیات را فراهم سازد، در نیمه دوم دهه چهل و پس از آماده شدن اولین کادرهای نظامی مقاومت لبنان، ده ها تن از جوانان مبارز ایرانی به لبنان آمدند، و زیر نظر آنان فنون نظامی را فراگرفتند.

در اواخر دهه چهل و مقارن با تأسیس مجلس اعلای اسلامی شیعیان، امام خمینی در پاسخ برخی فضلای ایرانی مقیم نجف، امام صدر را امید خود برای اداره حکومت پس از شاه نامید، در زمستان ۱۳۵۰ و بر اساس تقاضای مراجع وقت، امام موسی صدر درباره برخی زندانیان سیاسی با شاه گفتگو نمود، که بعضی از آنان ازجمله آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، اندکی بعد، از زندان آزاد گردیدند، با به قدرت رسیدن حافظ اسد در سال ۱۳۵۰ و آغاز همکاری‌های تنگاتنگ وی با امام صدر، سوریه به امن‌ترین کشور خاورمیانه برای مبارزین ایرانی بدل گردید.

به دنبال درگذشت مرحوم حاج‌آقا مصطفی خمینی (فرزند ارشد امام خمینی) در پاییز سال ۱۳٥٦، وی پسرعموی خود شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر را بر آن داشت تا بیش‌ازپیش به حمایت از امام خمینی برخیزد، امام موسی صدر در بهار سال ۱۳۵۷ لوسین ژرژ نماینده روزنامه لوموند در بیروت را به نجف فرستاد، تا با انجام اولین مصاحبه بین‌المللی با امام خمینی، افکار عمومی جهانیان را با انقلاب اسلامی ایران آشنا سازد، امام موسی صدر در دیدارهای مکرر سال ۱۳۵۷ خود با رهبران سوریه، عربستان سعودی و برخی دیگر از کشورهای جهان عرب، اهمیت انقلاب اسلامی ایران، پیروزی قریب‌الوقوع آن، و ضرورت هم‌پیمانی آنان با این انقلاب را به آن‌ها گوشزد نمود. وی در سنبله ۱۳۵۷ و یك هفته پیش از ربودن شدن خود، با انتشار مقاله «ندای پیامبران» در روزنامه لوموند، امام خمینی را به‌عنوان تنها رهبر انقلاب اسلامی ایران معرفی نمود، **در کتاب «امام موسی صدر» که توسط نویسنده محترم جناب آقای امیر قربانی به رشته تحریر در آمده است به بخشی از خدمات انقلابی امام موسی صدر در لبنان، ایران و سایر نقاط جهان اشاره شده است ، که فایل پی‌دی‌اف این کتاب از کانال نشریه عهد به نشانی eitaa.com/nashriyeahd به صورت رایگان، قابل دریافت است.**

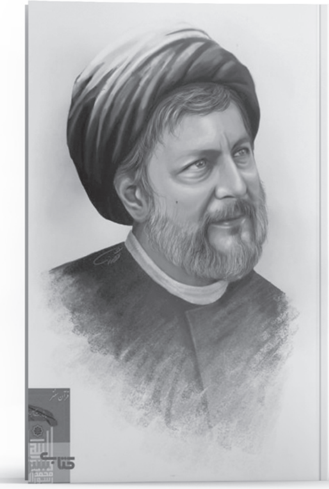

انتقادات و پیشنهادات خود را با ما در میان بگذارید

«عهد» قلمهای شما را به یاری می‌خواند. «عهد» دستهای شما را برای توزیع جبهه‌ای، به یاری می‌خواند.

تلفن تحریریه: ۰۲۵۳۲۶۰۳۶۷۷
رایانامه: ahd.magazine@chmail.ir
انتقادات و پیشنهادات خود را از طریق آی دی gohari_67@ در پیام رسان ایتا با ما در میان بگذارید

بارکد نرم افزار نشریه عهد

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۸۷۷۷۱۱۰۱۱٤

@khanetolab

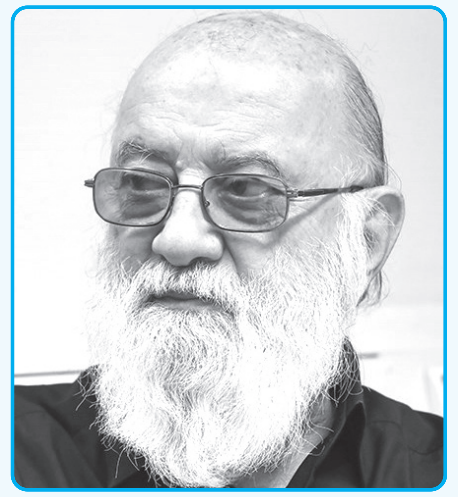

مصاحبه

امام: من امام موسی صدر را بزرگ کرده‌ام

گفتگو با آقای مهندس مهدی چمران پیرامون شخصیت انقلابی امام موسی صدر

مهندس مهدی چمران استاد دانشگاه و نایب رئیس جبهه مردمی نیروهای انقلاب و رئیس سابق شورای شهر تهران می باشند، در ادامه گفتگوی نشریه عهد با ایشان را در مورد شخصیت انقلابی امام موسی صدر می خوانید، ایشان در این گفتگو بیان نمودند که این مطالب را قبلا در جایی نقل نکرده اند و آن را برای اولین بار در نشریه عهد مطرح می کنند.

عهد: لطفاً تعریف خود را از شخصیت انقلابی بیان بفرمایید؟

شخصیت انقلابی در هرزمانی و هر مکانی متفاوت است، ممکن است کاری را که ما امروز انجام می‌دهیم، اصلاً کاری انقلابی نباشد، ولی ۲۰ سال پیش یا ۳۰ سال پیش یا بهتر بگویم قبل از پیروزی انقلاب یک عمل انقلابی بوده باشد.

پنجاه سال پیش اگر کسی می‌گفت شاه باید برود، یک کار شجاعانه و انقلابی و غیرقابل‌تصور بود، اما امروز اگر کسی بگوید شاه باید برود، خب، اصلاً شاهی نیست که برود، همان جمله است اما آن موقع یک عمل و یک شعار انقلابی بوده، اما الآن یک شعاری است که اصلاً در حیطه‌ی انقلابی گری نیست.

سه روز قبل از ۱۷ شهریور سال ۵۷، به مناسبت عید فطر در تهران در تپه‌های قیطریه نماز عید فطر برگزار شد، که شهید مفتح، نماز را خواندند و شهید باهنر سخنرانی کردند، ما داشتیم از تپه‌های قیطریه پایین می‌آمدیم و شعارهای مختلفی می‌دادیم، تا اینکه یک نفر در وسط جمعیت گفت «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» مردم، چپ‌چپ به هم نگاه می‌کردند که این شعار را بدهند یا ندهند، چرا که این شعار یک شعار کاملاً انقلابی بود و به‌جای حکومت شاهنشاهی، حکومت اسلامی در آن قرار داشت.

در شعار دادن همچنین، مکان هم خیلی اهمیت دارد که شخص در چه مکانی و در چه جایی شعار می‌دهد در ایران «مرگ بر آمریکا» را می‌گوید یا در کشوری که دادن این شعار مشکل‌آفرین و سخت است، این شعار را می‌دهد، حالا این دو مقدمه را داشته باشید.

بخش دیگر اینکه شعار بدهیم یا عمل بکنیم، باز شعار دادن با عمل انقلابی کردن متفاوت است، خیلی‌ها ممکن است بیایند و ضد اختلاس هم شعار بدهند، فلان رئیس بانک در جلسات چفیه هم می‌انداخت، شعار هم می‌داد، سخنرانی هم می‌کرد. من خودم یادم هست که در جنگ برای سرکشی آمد و از سرمایه بانک به عده‌ای هدیه داد و بعد دیدیم یک اختلاس گر بزرگ بوده است، یعنی شعارش را می‌داد، اما عملش چیز دیگری بوده است، اکثراً شعار را می‌دهند اما عمل را نمی‌توانند انجام دهند، شاید هم می‌خواهند ولی نمی‌توانند، برایشان عملیاتی نیست حالا یا توان ندارند و یا جرأت انجامش را ندارند، پس شعار انقلابی یک بحث است و عمل انقلابی یک بحث دیگر و مهم‌تر است.

عهد: با توجه به تعریف شما از شخصیت انقلابی، آیا می توان امام موسی صدر را شخصیتی انقلابی دانست؟

امام موسی صدر زمانی که در ایران جشن‌های شاهنشاهی و دو هزار و پانصدساله برگزار می‌شود و زمان‌های قبل از آن **به لبنان می‌روند و شعار انقلابی علیه اسرائیل می‌دهند که البته تبدیل به عمل هم می‌شود، می‌گوید «التعامل مع اسرائیل حرام» معامله‌ی با اسرائیل حرام است**، این شعار در لبنان بوده است، لبنانی که هم‌مرز اسرائیل است، لبنانی که با اسرائیل دستشان در یک‌کاسه بود و حزب‌الله ای هم وجود نداشته است، در یک چنین شرایطی و در آن زمان که مرزهای لبنان به‌سوی اسرائیل باز بوده است و در لبنان ارتشی وجود نداشته است و اسرائیل در لبنان هر کاری می‌خواست انجام می‌داد و **حتی معروف بود که اسرائیلی‌ها می‌گفتند ما اگر بخواهیم لبنان را بگیریم سربازهای معمولی خود را هم نمی‌فرستیم و با سربازهای دختر کار را تمام می‌کنیم**، یعنی می‌خواستند بگویند که ارزشی برای شما قائل نیستیم و چیزی نیستید، در یک چنین زمانی امام موسی صدر فتوا می‌دهند یا دستور می‌دهند که «تعامل مع اسرائیل حرام» خب، ایشان رهبر شیعیان لبنان بودند، وقتی این دستور را می‌دهند مسلمانان و شیعیان معتقد لبنان با اسرائیل معامله نمی‌کنند، این، هم شعار و هم اقدام بوده است، **همچنین شعار می‌دهد که اگر یک فلسطینی به گوش شما سیلی زد شما جواب آن را ندهید، چون آن‌ها از کشور خود رانده و ناراحت و مستضعف هستند**، و این شعار درزمانی بود که اسرائیل، فلسطینی‌ها را قتل‌عام می‌کرد و جنگ‌های داخلی لبنان با فلسطین هم وجود داشته است ولی امام موسی صدر می‌گوید که با فلسطینی‌ها مهربان باشید درزمانی که مقر اصلی فلسطینی‌ها در جنوب لبنان بود و متأسفانه با شیعیان هم ارتباط خوبی برقرار نمی‌کردند، باز هم شیعیان بر اساس دستور امام موسی صدر با فلسطینی‌ها تعامل داشتند و یک جبهه در برابر اسرائیل شدند.

عهد: لطفاً برخی از اقدامات انقلابی امام موسی صدر را بیان بفرمایید؟

انقلابی بودن فقط به شعار نیست، و باید در عمل هم انقلابی باشیم، **عملیاتی که امام موسی صدر در لبنان انجام دادند یک نمونه عملیات انقلابی بود که هویت شیعیان را زنده کرد و به شیعیان فهماند و به آن‌ها باوراند که باید توانمند باشید و مقابل اسرائیل بایستید و نمایانگر آن اسلامی باشید که ابوذر غفاری به لبنان آورد.**

امام موسی صدر در زمان ورود به لبنان وقتی دیدند که لبنان کشوری شکل‌گرفته از طوایف مختلف هست و ارامنه، سنی‌ها و طوایف دیگر هرکدام برای خود به‌عنوان یک طایفه و اقلیت دارای مجلس هستند، تصمیم می‌گیرند که برای شیعیان لبنان مجلسی تأسیس کنند، **بنابراین ایشان مجلس اعلای شیعیان را تأسیس می‌کنند و خودش به‌عنوان رئیس و مرحوم شیخ مهدی شمس‌الدین به‌عنوان نائب رئیس مجلس قرار** می‌گیرند.

شیعیان لبنان در آن زمان خجالت می‌کشیدند بگویند ما شیعه هستیم و شیعه بودن موجب ننگشان بود، به همین خاطر می‌رفتند و در یک حزبی نام‌نویسی می‌کردند و سرباز آن حزب می‌شدند، هم حقوق و هم کارت حزب را می‌گرفتند و به قول خودشان کارت هویت می‌گرفتند، وقتی می‌پرسیدند که هویت تو چیست آن کارت حزبی را نشان می‌دادند تا از شرم شیعه بودن نجات پیدا کنند، ببینید تا کجا درد و رنج بوده است.

امام موسی صدر در همین زمان برای شیعیان مجلس و ارتش تشکیل می‌دهد و مسلح می‌شوند، ایشان حتی اگر شعار هم ندهد یک انقلابی واقعی است،، ایشان این حرکت را در لبنان شروع کرد و فقط شعار نمی‌دهد، هم می‌گوید «التعامل مع اسرائیل حرام» و هم مقابل اسرائیل می‌ایستد و می‌جنگد، و می‌گوید قداست قدس ایجاب می‌کند که مؤمنین بروند و آنجا را آزاد کنند، این یک حرکت انقلابی است که مقابل چپ‌گراها و اسرائیلی‌ها ایستاد، **ایشان گاهی به ایران می‌آمدند و سخنرانی داشتند، و همین جریانات لبنان را توضیح میدادند، من دوبار ایشان را در مکانی در کوچه قائن دیده بودم، در این کوچه سخن ماه برگزار میشد، که چهره های مختلفی مثل شهید بهشتی، شهید باهنر، مرحوم آیت الله طالقانی و دیگران در آن جا سخنرانی داشتند که امام موسی صدر نیز دو بار در آنجا سخنرانی کردند و مسائل لبنان را بازگو نمودند.**

امام موسی صدر علاوه بر تأسیس مجلس اعلای شیعیان لبنان، برای زنان و دختران شیعه که به خاطر فقر از جنوب لبنان فرار می‌کردند و به بیروت می‌رفتند، یا در خانه‌های مسیحیان کار می‌کردند و یا در مکان‌های فساد مشغول بودند، برای آن‌ها مدرسه آماده کردند و سپس به کمک شهید چمران دو نفر از خواهران را از کاشان برای آموزش قالیبافی و صنایع‌دستی به لبنان آوردند و کارگاه صنایع‌دستی احداث کردند و آموزش می‌دادند، کارهای تولیدی این دختران را از طرق مختلف می‌فروختند و از این طریق برای آن‌ها کسب درآمد می‌کردند.

این حزب‌الله که شما می‌بینید به‌راحتی به دست نیامده است همه ثمرات تلاش‌ها و کارهای انقلابی امام موسی صدر است که الآن موجب افتخار همه مسلمانان شده است و خواب را از چشم اسرائیل ربوده است.

عهد: لطفاً دیدگاه امام موسی صدر را نسبت به انقلاب ایران و همچنین اقدامات ایشان در راستای شکل‌گیری انقلاب را برای دوستان بیان بفرمایید؟

امام موسی صدر با امام خمینی (ره) فامیل بودند، مرحوم آقا سید احمد، همسرشان خواهرزاده امام موسی صدر بود و حاج احمد مرتباً به لبنان می‌آمدند و با امام موسی صدر ارتباط داشتند، این جریانات و ارتباطات انقلابی ادامه داشت و لبنان به پایگاهی برای انقلابیون ایران تبدیل‌شده بود، شهید دکتر چمران و همچنین برخی از جوانان انقلابی ایران به لبنان می‌رفتند و آموزش‌های نظامی می‌دیدند.

یکی دیگر از اقدامات انقلابی امام موسی صدر که یک ماه قبل از ربوده شدن ایشان اتفاق افتاد، مصاحبه ایشان با نشریه فرانسوی لوموند بود، که **ایشان در این مصاحبه دفاع جانانه‌ای از امام خمینی (ره) می‌کنند و آینده انقلاب را نیز پیش بینی می‌کنند، و می‌گویند که انقلاب ایران به پیروزی منتهی می‌شود که البته تمام مدارک آن هم موجود است.**

امام موسی صدر با انقلاب و امام خمینی (ره) ارتباط نزدیک داشتند، زمانی که امام موسی صدر در لبنان ربوده شدند امام خمینی (ره) برای آزادی ایشان تلاش فراوانی کردند تا آنجا که وقتی امام خمینی (ره) بعد از پیروزی انقلاب به ایران برگشتند، اولین گروهی که به ایران آمد، عرفات و فلسطینی‌ها بودند، که در این جلسه اولین صحبت‌ها در مورد امام موسی صدر بود.

امام خمینی (ره) در مورد امام موسی صدر بعد از ربوده شدن ایشان فرمودند: من امام موسی صدر را بزرگ کردم و الآن هم برای پیدا شدنش تلاش می‌کنم.

همچنین وقتی در کشور می‌خواستند برای لیبی سفیر بفرستند، امام خمینی (ره) این کار را به نشانه اعتراض انجام ندادند، و چندین سال ایران در لیبی سفیر نداشت بلکه فقط کاردار داشت، بعد یا[illegible]ست آقای موسوی اردبیلی گفتند حالا معلوم نیست که قضیه چگونه بوده است و امام خمینی ره راضی شدند و اجازه دادند.

یادداشت

دکتر مهتدی

امام موسی با شاه ملاقات کرده است!

اشاره : دکتر محمد علی مهتدی کارشناس مسائل خاورمیانه و عضو سابق پیگیری سرنوشت امام موسی صدر، با وجود مشکلات فراوان و بیماری همسر، قبول زحمت نمودند و یادداشت زیر را با موضوع واکاوی ریشه اتهامات وارده به امام موسی صدر، برای نشریه عهد نوشتند.

اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حمله‌های شدیدی علیه امام موسی صدر و دکتر مصطفی چمران در ایران به راه افتاد، اتهامات و افتراهای بسیاری گفته یا نوشته شد، ازجمله آنکه امام موسی صدر شخصیتی انقلابی نبوده و با شاه ملاقات کرده است؛ انقلاب و ولایت‌فقیه را قبول نداشته و ضد مقاومت فلسطین بوده است.

آن‌هایی که این اکاذیب را نشر می‌دادند اغلب گروه‌های چپ‌گرا مانند سازمان مجاهدین خلق، فدائیان خلق، حزب توده ونیز افرادی بودند که سال‌ها در سازمان‌های فلسطینی در لبنان به سر برده بودند.

تحقیقات نشان می‌دهد که این حملات کاملاً سازمان‌یافته و هدفمند بوده است، و دلیل این حمله‌ها را باید در دلیل یا دلایل ناپدید کردن امام صدر جستجو کرد، وجود امام موسی صدر بخصوص از سال ١٩٧٤ به بعد، منافع بسیاری از جریان‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای را به خطر افکنده بود، در رأس این قدرت‌ها رژیم صهیونیستی بود که پس از صلح با مصر در کمپ دیوید، همه تلاش خود را صرف اشغال جبهه شرقی یعنی لبنان و سوریه کرده بود و وجود امام موسی صدر در لبنان، مانع بزرگی برای آن‌ها محسوب می‌شد.

همچنین بعد از حذف امام موسی صدر از صحنه لبنان، تحول مهمی در منطقه رخ داد و آن پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی(ره) بود، ازآنجاکه مردم لبنان خط امام موسی صدر و میراث فکری و اجتماعی او را نماینده انقلاب اسلامی ایران می‌دانستند سیل حمایت مردمی از این جریان به راه افتاد و این دقیقاً همان چیزی بود که همه نیروهای سیاسی چپ و راست و نیز قدرت‌های منطقه‌ای را می‌ترساند که اگر قرار بود قدرت انقلاب اسلامی ایران به جنوب لبنان متصل شود همه معادلات داخلی و منطقه‌ای به هم می‌ریزد، ازاینجا بود که فعالیت شدیدی در داخل ایران و در خود لبنان نیز علیه امام موسی صدر و جریان فکری و اجتماعی وی به راه افتاد.

امام خمینی(ره) علاقه زیادی به امام موسی صدر داشت و این را در مواقع گوناگون بیان کرده بود و درواقع هم، ایشان بود که چه قبل و چه بعد از انقلاب موضوع ربوده شدن را دنبال می‌کرد، این علاقه صرفاً جنبه عاطفی نداشت بلکه دلایل و شواهد زیادی حکایت از آن دارد که رهبر کبیر انقلاب در استراتژی خود جایگاه امام موسی صدر را به‌عنوان کسی که مهم‌ترین نقش را بر عهده خواهد گرفت مشخص کرده بود.

در زمان حضور امام خمینی در نجف، ارتباط و هماهنگی خوبی بین ایشان و امام موسی صدر در لبنان از طریق قاصدها و پیک‌ها صورت می‌گرفت، شاگردان امام نقل کرده‌اند که در درس ولایت‌فقیه کسی سؤال می‌کند که:«به فرض ما در ایران موفق به سرنگونی رژیم شاه شویم، ما که مملکت‌داری نمی‌دانیم چگونه باید کشور را اداره کنیم؟ که حضرت امام می‌گویند: من کسی را دارم که می‌توانم این کار را به او بسپارم و او آقا موسی صدر است».

همچنین در اوج تظاهرات میلیونی در تهران و دیگر شهرهای بزرگ ایران، زمانی که شاه تبلیغ می‌کرد که این حرکت کمونیستی، اسلامی است و اگر آن‌ها موفق شوند، ایران «ایرانستان» می‌شود (یعنی می‌شود یکی از جمهوری‌های تابع اتحاد شوروی)، امام موسی صدر مقاله بسیار مهمی در روزنامه لوموند چاپ پاریس منتشر کرد و ضمن دفاع از انقلاب تأکید کرد که این انقلاب ادامه راه پیامبران الهی است و اهداف انسانی را دنبال می‌کند و هیچ ارتباطی با اتحاد جماهیر شوروی و مکتب‌های الحادی ندارد و لذا باید موردحمایت همه جهانیان قرار گیرد.

موج تبلیغات و اتهام زدن به امام موسی صدر و نهاده‌ای وابسته به جامعه تشیع لبنانی به‌ویژه مجلس اعلای اسلامی شیعه و جنبش امل و دکتر چمران آغاز شد. این تبلیغات از سوی جناح‌های غیر اسلامی مانند حزب توده، منافقین (شخص رجوی) چریک‌های فدایی خلق و نیز برخی از جناح‌های مسلمان که قبلاً در لبنان بوده و با سازمان‌های فلسطینی به‌ویژه فتح و جبهه خلق و جبهه دموکراتیک همکاری می‌کردند صورت می‌گرفت. در این میان نقش آقای جلال فارسی و مرحوم محمد منتظری بسیار پررنگ بود.

به‌هرحال، زمان گذشت و باآنکه این تحریکات در برهه‌ای از زمان باعث بروز فجایعی در لبنان و جنگ و خونریزی در جامعه تشیع لبنان شد که در تاریخ بی‌سابقه بود؛ اما به‌تدریج انقلاب اسلامی ایران به جنوب لبنان رسید و این بار روی شالوده مقاومتی که امام موسی صدر و دکتر چمران در لبنان پی‌ریزی کرده بودند، مقاومتی سترگ پای گرفت که توانست با دادن دو هزار شهید در ماه مه سال ۲۰۰۰، لبنان را آزاد و ارتش صهیونیستی را فراری دهد و یک قدرت استراتژیک پدید آورد و این دقیقاً همان چیزی است که امام موسی صدر برای آینده منطقه در سر می‌پروراند.

یادداشت رسیده

حسین حاجی حسینی

ما در کنار شیطان می‌ایستیم

تحلیل دیدگاه رهبر معظم انقلاب درباره شخصیت امام موسی صدر

سید موسی صدر بی‌شک یکی از مؤثرترین شخصیت‌های عصر اخیر در بعد بین‌المللی و علی-الخصوص در کشور لبنان است تا جایی که کاردینال فرانس، اسقف اعظم اتریش می‌گوید: **ایمان‌دارم که می‌توان تاریخ لبنان را به دو دوره کاملاً مجزا تقسیم کرد: دوران قبل از موسی صدر و دوران موسی صدر**(عصایت را به میله های زندان بزن موسی ص ١٧) رهبر معظم انقلاب به مناسب بزرگداشت علامه سیدموسی صدر در سال ١٣٧٨ پیامی جهت این کنگره مرقوم می‌فرمایند که تلاش شده است با واکاوی این پیام به امتیازات این عالم مبتکر و پرنشاط در نظرگاه مقام معظم رهبری پرداخته شود.

١) اندیشمند پیشرو

به کاربردن تعبیر «اندیشمند پیشرو» و «علامه» ازناحیه مقام معظم رهبری، باآن‌همه باریک‌بینی در نسبت دادن القاب و عناوین، که ایشان در کلام خویش به کار می‌برند، نشان از امتیازات خاص امام موسی صدر در بعد علمی خواهد بود و **رهبر معظم انقلاب با بکار بردن این لقب، ایشان را در کنار بزرگانی همچون علامه مجلسی، علامه حلی، علامه طباطبایی، علامه شهیدی، علامه جعفری و بزرگانی در این مرتبه قرار داده اند.**

٢) عالم مبتکر و پرنشاط

تأسیس مدرسه صنعتی، تأسیس جمعیت بِرّ و احسان، تأسیس مؤسسه بیت‌الفتاه، تأسیس آموزشگاه پرستاری، تأسیس موسسه قالیبافی، راه‌اندازی مرکز معهد الدراسات الاسلامیه، تأسیس مجلس اعلای شیعیان، تأسیس سازمان جنبش مستضعفان، تأسیس سازمان نظامی امل و... **گوشه‌ای از نشاط و ابتکارات و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی این عالم فرزانه است.**

٣) وحدت و هویت بخشی به بدنه شیعه‌ی لبنان

سید اعتقاد داشت که شیعیان هم باید مجلسی داشته باشند تا پیگیر کارهایشان باشد، اوایل سعی کرد که مجلس شیعیان با مجلس اهل سنت یکی باشد، اما نشد، به‌ناچار برای تأسیس مجلسی شیعی اقدام کرد و تشکیلات «المجلس الاسلامی‌الشیعی الاعلی» را تأسیس نمود و به‌عنوان نخستین رئیس مجلس پیگیر حقوق شیعیان شد.

٤) ایجاد هم‌زیستی میان پیروان ادیان و طوایف سیاسی لبنان

از بزرگ‌ترین ویژگی‌ها و خدمات امام موسی ایجاد گفتگوی میان ادیان و مذاهب بود، تا جایی که در میان اعضای ارشد جنبش محرومان وی، افراد غیر شیعه و حتی غیرمسلمان هم وجود داشتند، ایشان می‌گفت: «اگر خطر چندپارگی فرقه‌ای داخلی از لبنان دور شد، لبنان همانند گذشته نمونه‌ای کوچک از جهان خواهد بود و بی‌شک، آینده‌ای بهتر خواهد داشت»(آنچه خود گفت ص٥٥)، **مرد مسیحی باعجله خود را به امام موسی رساند و گفت: من به یک سید ایمان داشتم و آن حضرت مسیح است، ولی اکنون به حضرت مسیح و شما ایمان دارم.** (یادنامه امام موسی صدرص٦٢٢)

٥) صراحت لهجه در مقابله با صهیونیست و معرفی رژیم غاصب به‌عنوان شر مطلق

درطول زمان‌های طولانی ازدرون یا بیرون اسرائیل جزگزافه‌گویی و تندروی از آن‌ها چیزی شنیده نشده و آن‌ها همگی در تاریکی و سیاهی یکسان هستند. (روزنامهٔ الجریده مصاحبه با امام موسی صدر) جنگ ما با آنان جنگ با یک مجموعه از انسان‌ها نیست، بلکه این جنگ درواقع نبردی است با فساد و انحراف و ستم و اندیشه تبعیض نژادی. (پیام امام موسی صدر به مجلس ملی فلسطین) اگر اسرائیل و شیطان با یکدیگر بجنگند، ما در کنار شیطان می‌ایستیم. اگر اسرائیل با چپ بجنگد، ما در کنار چپ خواهیم ایستاد. اگر اسرائیل با راست بجنگد، در کنار راست خواهیم ایستاد. (گام به گام با امام موسی صدرج ١٢)

٦) ابراز ارادت و صمیمیت نسبت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران

حضرت امام که دستگیر شد، دست‌به‌کار شد، تماس‌های مکرری را با علمای بزرگ برقرار کرد، در مراسم تاج‌گذاری پاپ ششم در واتیکان موضوع دستگیری را مطرح کرد و خواستار پیگیری آن در مجامع بین‌المللی شد. پس‌ازآن به کشورهای سوئیس، بلژیک، فرانسه، اسپانیا، الجزایر و مراکش رفت و **در مصاحبه با اصحاب رسانه آنان را از دستگیری آیت‌الله خمینی آگاه کرد تا جایی که آیت‌الله خویی می‌گوید: سفر سید موسی نقش اساسی در آزادی سید خمینی داشت.** (سیره و سرگذشت امام موسی صدر ج١ ص١٢٧)

٧) دل‌بستگی و تکریم از ناحیه حضرت امام خمینی (ره)

قبل از انقلاب، امام که به فرانسه رفتند، هیئتی را فرستادند که با حافظ اسد ملاقات کنند، این افراد موضوع امام موسی صدر را پیگیری کردند؛ امام در همه مراحل پیگیر موضوع بود، زمانی که سرگرد جلود در سال ٥٨ به قم آمد و باواسطه محمد منتظری ملاقاتی با امام داشت، **در آن ملاقات امام شدیداً پرخاش و اعتراض کرد و موضوع را از سرگرد جلود که مرد شماره دو لیبی بود، پیگیری کرد.**

از دیگر ممیزات پیام رهبری کارنامه ضعیف مدعیان حقوق بشر در قبل ربوده شدن ایشان، فرزند حوزه علمیه قم، شخصیت همه‌جانبه سید موسی، همکاری با عناصر مبارز ایرانی در مدتی طولانی، اعلام حرمت همکاری با رژیم صهیونیستی، دیرهنگام بودن قدردانی و تکریم این شخصیت کم‌نظیر، عنصر ممتاز و ارزشمند درصحنه لبنان را می‌توان برشمرد که مجالی برای توضیح آن‌ها نبود.

مصاحبه

امام موسی صدر اهل سنت را ضلع قطعی قدرت اسلام می‌دانست

گفتگو با آقای مهدی فیروزان ،داماد موسی صدر، پیرامون شخصیت انقلابی امام موسی صدر

عهد: لطفاً در ابتدا، توضیح مختصری درباره شخصیت علمی امام موسی صدر برای مخاطبان نشریه بفرمایید؟

امام موسی صدر، فرزند حوزه علمیه قم بودند که بعد برای ادامه تحصیلات به حوزه نجف رفتند و به درجه اجتهاد نائل شدند، به‌موازات اجتهاد، ایشان به دانشگاه تهران رفتند و در رشته اقتصاد تحصیل کردند، بر این اساس ایشان فرزند واقعی حوزه و دانشگاه بودند و توانستند تا بالاترین سطح را در دانشگاه و حوزه بخوانند.

امام موسی صدر از خانواده‌ای هستند که اجداد و نیاکانشان همه، یا از روحانیون برجسته بودند و یا از افراد مورد وثوق جامعه و مردم بودند که همواره مرجع و ملجأ مردم بودند، یادم هست **مقام معظم رهبری در دیداری که با متصدیان سازمان تبلیغات اسلامی داشتند، یکی از مسائلی که مطرح کردند، معرفی خاندان‌های مؤثر فرهنگ و تمدن شیعی بود، که ازجمله به خاندان صدر اشاره می‌کنند.**

اما از حیث علمی، ایشان بسیار باهوش و دقیق و ورزیده در علم بودند، **به‌عنوان‌مثال حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی می‌فرمودند سؤال‌هایی که امام موسی صدر در درس حضرت آقای داماد می‌پرسیدند، سؤال‌های بسیار عمیق و روشن و واضح بود، معمولاً اساتید اجازه پرسیدن سؤال را در هنگام درس به طلاب نمی‌دادند، اما به ایشان به علت فهم عمیق مسئله، این اجازه داده می‌شد.**

نکته‌ی دیگری که درباره امام موسی صدر بسیار مهم است، دیدگاه ایشان و نوع نگاه ایشان به انسان بود، به نظر ایشان انسان از هر رنگ و دین و فرهنگ و مذهبی که باشد بماهو انسان، شریف است و به همین دلیل هم، احکامی که امام موسی صدر مطرح می‌کردند، با حفظ کرامت انسان همراه بود.

آیت‌الله جنتی می‌فرمودند: زمانی که ما برای تحصیل در عراق بودیم، یک موجی ایجاد شد که امام موسی صدر با اهل کتاب غذاخورده است، به خاطر انتشار این موضوع تقریباً جو حوزه ملتهب شد، که چطور فرزند آیت‌الله سیدصدرالدین صدر یک همچنین گناهی مرتکب شده است، طلاب خدمت آقای حکیم می‌روند، **آقای حکیم می‌فرمایند، در دیانت و علمیّت امام موسی صدر شکی نیست، بروید و در مبانی فقهی حکم ایشان تحقیق کنید.**

حضرت آیت‌الله جنتی به بنده فرمودند، که گروه فقهی تشکیل دادیم و شش ماه تحقیق کردیم، و متوجه شدیم اهل کتاب هم می‌توانند پاک باشند، خدمت آقای حکیم بردیم ایشان هم تأیید کردند.

این نتیجه‌ی همان دیدگاه امام موسی صدر درباره کرامت انسان‌ها است، ایشان در تمام زمینه‌ها در اقتصاد، سیاست، فرهنگ، فقه و ... این‌گونه بودند.

عهد: متأسفانه برخی افراد و مؤسسات امام موسی صدر را یک فرد غیرانقلابی و حتی مخالف شکل‌گیری انقلاب معرفی می‌کنند، دیدگاه شما نسبت به این موضوع چیست؟

امام موسی صدر یک دولت‌مرد بودند، و در زمان شکل‌گیری ریشه‌های انقلاب باید ایشان را در قامت یک دولت‌مرد ارزیابی کرد نه فردی که به‌تنهایی می‌خواهد دولتی را واژگون کند و دولت جدیدی بیاورد، یک‌زمان ما در مورد امام موسی صدر می‌گوییم چرا اسلحه دست نگرفت و نیامد ایران و با شاه نجنگید، خب این هم یک شیوه بود و افرادی مثل آقای فارسی و آقای منتظری این کار را کردند، و یک موقع می‌گوییم امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان است، و در قامت یک دولت‌مرد چه امکاناتی را برای انقلاب فراهم کرد، یک‌وقت شما به‌عنوان یک شخص می‌توانید با فاسدین بجنگید و آن‌ها را از بین ببرید، و یک‌زمان شما یک دولتمرد هستید و از این کانال می‌توانید ظرفیت‌های زیادی برای انقلاب فراهم کنید، بنده به بعضی از این ظرفیت‌ها اشاره می‌کنم، **بسیاری از افراد که در دوران شاه و مبارزه از ایران فرار می‌کردند، جایگاه و ملجأشان مجلس اعلاء ی شیعیان لبنان بود که امام موسی صدر رئیس و مؤسس آن بود**، به‌عنوان‌مثال آقای محمد منتظری که امام موسی صدر اختلافاتی نیز با ایشان داشتند در سوریه گرفتار شدند، خود امام موسی صدر به سوریه رفتند و ایشان را آزاد کردند.

یکی دیگر از اقدامات و ظرفیت‌های ایجادشده توسط امام موسی صدر در حمایت از انقلاب ایران، کادر سازی و پروراندن کادرهای انقلابی و عملیاتی بود، امام موسی صدر به چه منظور دکتر چمران را به لبنان بردند؟ هدف ایشان پروراندن کادرهای انقلابی بود، عموماً این افراد به ایران می‌آمدند و پست می‌گرفتند، یا در جبهه‌های جنگ خدمت می‌کردند و به نیروهای مردمی آموزش می‌دادند.

وقتی‌که امام خمینی در سال ٤٢ در زندان گرفتار شدند، امام موسی صدر به واتیکان رفتند و به پاپ فشار آوردند تا این‌که امام خمینی (ره) را آزاد کردند، این کارها تنها از قامت یک دولتمرد برمی‌آید.

امام موسی صدر به کشورهای عربی ازجمله عربستان، کویت مسافرت کردند تا این کشورها را از مواضع و مبانی انقلاب مطلع کنند، چرا که کشورهای اهل تسنن و همچنین کشورهای اروپایی از به وجود آمدن انقلاب شیعی ترس داشتند، ایشان در نشریه لومند فرانسه مقاله‌ی «ندای پیامبران» را منتشر کردند و ایشان در این مقاله رسالت پیامبران را متشکل از کرامت انسان، آزادی انسان، رشد انسان معرفی کردند و انقلاب ایران را برآیند رسالت انبیا دانستند، چون مبتنی بر قرآنی است که همه‌ی انبیا را حمایت می‌کند، رویکرد این مقاله باعث شد که ترس جهان غرب از انقلاب از بین برود و در مقابلش جبهه نگیرند، چراکه امام موسی صدر چهره‌ای شناخته‌شده برای جهانیان بودند، امام موسی صدر کسی است که زمانی که کیان فلسطین به خاطر اختلافات و غفلت کشورهای مسلمان ازجمله سوریه و عربستان و مصر، درخطر بود و فلسطینی‌ها را قتل‌عام می‌کردند، ایشان با هوشیاری می‌روند و این اختلافات را حل می‌کنند و این جمله از ایشان معروف است که رفتم سوریه دیدم حافظ اسد روزه است، رفتم مصر و دیدم اگر اشتباه نکنم سادات قرآن می‌خواند، تعجب کردم از برادرانی که هر دو مسلمان هستند و باهم اختلاف دارند، امام موسی صدر می‌روند و آن‌ها را آشتی می‌دهند، تا فلسطینی‌ها قتل‌عام نشوند، وقتی امام موسی صدر یک همچنین تعریفی را از خودشان به جهانیان ارائه می‌دهند، آن‌وقت وقتی مقاله می‌نویسند و می‌گویند، انقلاب ایران ثمره رسالت پیامبران است، مخاطب می‌پذیرد.

یکی دیگر از کارها امام موسی صدر در شکل‌گیری انقلاب، انتقال تجربیات بود که ناتمام ماند، شناختی که ایشان از جهان اسلام و از جهان غرب داشتند را به یاران خود ازجمله شهید بهشتی منتقل می‌کردند، که در راستای همین هدف، یک روز قبل از انقلاب آقای بهشتی و امام موسی صدر در منزلی در آلمان سه روز باهم صحبت کردند.

عهد: برخی مطرح می‌کنند که امام موسی صدر مخالف وحدت شیعه و سنی بوده‌اند دیدگاه شما نسبت به این اتهام چیست؟

امام موسی صدر نه‌تنها مخالف وحدت نبودند بلکه ایشان متهم بودند که چرا تا این اندازه برای ایجاد وحدت بین شیعه و سنی کار می‌کنند، تاکتیک امام موسی صدر وحدت نبود بلکه اعتقادش وحدت بود، امام موسی صدر معتقد بودند که به‌عنوان‌مثال اگر ساختمانی آتش بگیرد، اهالی این ساختمان باهم دعوا نمی‌کنند که حق با من است و یا حق با دیگری است، در زمان حاضر هم جهان اسلام چالش‌های بزرگی مثل همین آتش، پیش رویشان است و مسلمانان باید این آتش را خاموش کنند و بعد خسارت‌ها و مشکلات را رفع کنند، ایشان معتقد بودند که جهان اسلام در دو قرن اخیر دچار چالش‌های گوناگونی ازجمله چالش مدرنیته، چالش اسرائیل، و دیگر چالش‌ها است، که در چنین شرایطی بهترین راهکار برای مقابله با این چالش‌ها وحدت جهان اسلام است.

در راستای همین اعتقاد درست، امام موسی صدر در هر موسسه‌ای که تأسیس می‌کردند، یک نفر از اهل سنت را به‌عنوان هیئت‌مدیره قرار می‌دادند، و ایشان در راستای شکل دادن به وحدت در ایام عید فطر، به حسن خالد مفتی اهل تسنن نامه می‌نویسند، که برای زمان آغاز ماه رمضان و عید فطر گروهی از کارشناسان ما و شما باهم از طریق راه‌های علمی به نظر واحد برسیم، این رویکرد امام موسی صدر است، **همچنین در زمانی که «صیدا» را که منطقه‌ای سنی نشین است بمباران کردند، امام موسی صدر اولین رهبری بود که وارد صیدا شد، پتو برد،، غذا برد.**

امام موسی صدر اهل سنت را ضلع قطعی قدرت اسلام می‌دانستند و ایشان مقالات زیادی را در مورد ضرورت شکل‌گیری وحدت نوشتند.

عهد: لطفاً دیدگاه امام موسی صدر را نسبت به اسرائیل برای مخاطبین نشریه بیان بفرمایید؟

ایشان یک جمله درباره اسرائیل دارند، می‌گویند: اسرائیل شر مطلق است. امام موسی صدر می‌فرماید: اسرائیل با تمام ابعادش به سمت جامعه اسلامی حمله کرده است، فقط نظامی نیست، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، اطلاعاتی و امنیتی است بنابراین ما باید از شعار فاصله بگیریم و مجتمع مقاوم بسازیم.

آقای سید حسن نصرالله هم گفته‌اند که امام موسی صدر معتقد به جامعه‌ی مقاوم است نه لشکر مقاوم یا عملیات مقاوم، عملیات مقاوم وسیله‌ای برای دفاع از یک جامعه مقاوم است. در جامعه‌ی مقاوم فرهنگ، رسانه‌اش، مطبوعاتش، کتابش و اقتصادش باید مقاوم باشد.

امام موسی صدر در مقابله با اسرائیل بیشترین سخنرانی‌ها و بیشترین تحلیل‌ها و تفسیرها را انجام داده است، کمتر کسی این‌گونه است، امام موسی صدر در مرز با اسرائیل درباره توسعه‌طلبی‌اش، فسادش، سخنرانی و روشنگری کرد. **اسنادی هست که ایشان برای مبارزه با اسرائیل از ایران آمدند تا در مرز اسرائیل با آن بجنگد.**

یادداشت رسیده

علی صادقی

دو امام با یک انقلاب

«از تلاش و جهاد شما درراه احقاق حقوق شیعیان و کوتاه کردن دست ستمکاران تشکر می‌کنم»(سیره و سرگذشت امام موسی صدر صفحه ٣٣٢) ، **بخشی از نامه امام خمینی (ره) به موسی صدر است** که در دوم دی‌ماه ١٣٥٣ در اوج مبارزات انقلابیون تهران و در آستانه پیروزی یاران امام موسی صدر در بیروت نگارش شده است. آنچه مشخص است این است که هر دو امام، یک قصد و یک هدف را در دونقطه جغرافیایی مختلف پی گرفته‌اند، اما **آیا می‌توان این فرضیه را بیان کرد که انقلاب موسی صدر در کنار سواحل مدیترانه رابطه‌ای ایجابی با انقلاب اسلامی ایران داشته است؟** آنچه امام موسی صدر و امام خمینی را مکلف و مقتدر به انجام یک تحول بزرگ در منطقه و جهان اسلام نموده است، محصول یک آبشخور و جهان‌بینی واحد بوده است و **طبیعتاً ذات این دو عمل با یکدیگر سازگاری داشته و دو امر سازگار، نه‌تنها متنافی نخواهند بود بلکه در پاره‌ای از تقاطع‌های حساس تاریخ، معین و مکمل یکدیگر نیز خواهند شد.** گویی شریعتی سیاسی، مجدداً می‌خواهد از خواب برخیزد که دو ید دارد بنام دو امام؛ موسی صدر و سید روح‌الله خمینی، آنگاه‌که هر دو سخن میگویند و ازاله اسرائیل را اولین مسئله جهان اسلام اعلام می‌کنند، تا آنجا که آن را غده سرطانی می‌دانند، آیا نمی‌توان شک کرد که این دو انقلاب در ماهیت یکسان‌اند؟ اگرچه کمیت‌ها متغیر است! آیا هماهنگی و یا تبانی قبلی صورت گرفته و یا دستی از ماورای علوم سیاسی و جامعه‌شناسی، تقدیر اقتدار مستضعفین جهان را این‌گونه رقم‌زده است؟ هنگامی‌که به موقعیت تازه ظهور انقلاب اسلامی در یک منطقه جغرافیایی متهوع از کمونیست و امپریالیست می‌نگریم، شکاکانه و متحیرانه با خود نجوا می‌کنیم که چگونه می‌توان قبول کرد که چنین ساختار پیچیده‌ای می‌تواند در منطقه جنوب‌غرب آسیا ادامه حیات دهد؟ **کشوری که روزگاری قرار بود زیر پرچم شیروخورشید، پلیسِ خوبِ آشتیِ اعراب با اسرائیل شود، ناگهان تبدیل به زرات‌خانه‌ای حساس علیه خود اسرائیل شده است!** کشوری که قرار بود با تانک‌های اهدایی اسرائیل، حافظ و نایب‌جنگِ تل‌آویو باشد، امروز مسلمانان را دعوت به ازاله صهیونیست‌ها با یک سطل آب می‌کند! یقینی است، که چنین اقتداری از سوی رهبر یک کشور تازه دگرگون‌شده، نیازمند چیزی فراتر از آرمان و شعار است. صهیونیسم، خوب می‌دانست که وقتی شخص امام خمینی بگوید «حفظ نظام از اوجب واجبات است» و بلافاصله سخن از «غده سرطانی» و لزوم ازاله این غده چرکین به میان آورد، حیات نظام اسلامی را در ممات خود دیده است و این تفسیر دور از ذهن نیست که امام، نبرد با صهیونیست را نه‌تنها موجب زوال، بلکه موجب تقویت و ادامه حیات حکومت شیعی نوپای قرن می‌داند! اما چه چیزی باعث شده است که امام خمینی آنقدر با یقین و اطمنیان بتواند در برابر اسرائیل بایستد؟! اسرائیلی که مصر را به زانو درآورد! اگر بخواهیم اعتقادات دینی نگارنده مبنی بر تکالیف اولیاءالله و تکیه بر قدرت لایزال الهی را فعلاً بیان نکنیم، امام باید در مقام یک سیاستمدار، هم بر مبنای قدر تصمیم بگیرد و هم تکیه بر قضای الهی نماید، قضای الهی قطعاً بر زوال هر طریقی علیه تمامیت و حیات مسلمین است اما امام، چگونه طبق قَدر یک رهبر الهی، توانست قادر به تحقق این وعده شود؟ چه کسی زمینه این قدرت را برای تحقق قضای الهی فراهم نمود؟ جبهه مقاومت لبنان! خدا می‌داند که دور از ذهن نیست که سال‌های سال، شیعیان جنوب لبنان باید طعم فقر و ضعف را بنا بر سنت تقدیر الهی، می چشیدند تا موسی صدر بیاید و این تهدید را به فرصت تبدیل کند و قدرتی برای شیعه رقم بزند که زمینه و مقدمه‌ای باشد برای اقتدار یک سید عالی‌قدر در تهران، برای احیای حکومت شیعی و تحقق قضای الهی مبنی بر نفی هر تسلطی بر مسلمانان! چگونه می‌توانستیم به این هدف و قصد نزدیک شویم در حالیکه تمام موقعیت‌های ما در احاطه دشمن بود و ما هیچ اشرافی بر اسرائیل نداشتیم؟ **خط مقاومت، همان‌طور که سیدحسن نصرالله بیان می‌دارد، حاصل مکتب‌سازی و انقلابی بود که موسی صدر در اوج تنهایی و سختی به‌تنهایی رقم زد** و توانست نهضتی بنام امل ایجاد نماید که از دل آن حزب‌الله لبنان متولد گردد. **اگر چنانچه فعالیت‌های شیعیان محور مقاومت، وجود نداشت، انقلاب‌ایران نمی‌توانست حیاتی‌کلیدی در منطقه داشته باشد. این ضمانت حیات انقلاب اسلامی را آن‌کسی برای ایران امضاء کرد که توانست در زیر گوش اسرائیل، شیعیانی را تربیت و مسلح کند** تا به‌روز عمل بتوانند خواب را از چشمان صهیونیست‌ها بگیرند و روز عمل، با اولین برف بهمن‌ماه ٥٧ فرارسید و روزبه‌روز موقعیت صهیونیسم را عقب‌تر راند تا آنجا که رهبر انقلاب اسلامی ایران، زوال آن‌ها را کمتر از بیست‌وپنج سال اعلام کرد.

امام موسی صدر و پیروزی‌هایش در لبنان را، که اخبارش به گوش انقلابیان تهران می‌رسید و هم موجب قوت قلب بود و هم زمینه‌ساز انگیزه و ایمان، می‌توان یک عامل مؤثر در پیروزی انقلاب اسلامی در ایران دانست و اصولاً آن عاملی که موجب بقای یک انقلاب نیز می‌شود، از عوامل ایجادکننده آن، مهم‌تر و ستودنی‌تر است.

یادداشت

شریف لک زایی

یکی از آن بیست نفر

با توجه به این‌که امام موسی صدر در سال‌هایی می‌زیست که انقلاب اسلامی مراحل تکامل و رشد خویش را طی می‌کرد این پرسش پیش می‌آید که **آیا می‌توان ایشان را انقلابی به شمار آورد یا خیر؟** سه تفسیر از انقلاب می‌شود و بر اساس آن می‌توان اندیشه و سیره سید موسی صدر را بر اساس این سه تفسیر از انقلابی بودن مورد پرسش و سنجش قرار داد، این سه تفسیر از انقلاب عبارت‌اند از:

١. انقلاب مضیق، که در آن جابجایی قدرت با براندازی قهرآمیز و مسلحانه اتفاق می‌افتد. در این صورت نه‌تنها اندیشه و سیره امام موسی صدر انقلابی نیست بلکه انقلاب اسلامی و بسیاری از انقلاب‌های دیگر هم مشمول این نوع از انقلاب نمی‌شود.

٢. انقلاب موسع که مراد هرگونه تغییری است که در جامعه به وجود می‌آید. این نوع نگاه به انقلاب هم باب بسیار وسیعی را در پیش پای انقلاب‌ها قرار می‌دهد و ازاین‌رو هر تغییری انقلاب شمرده می‌شود که مردود است.

٣. انقلاب متوسط که به معنای تحول است اما این تحول به‌صورت بنیادین، جامع، نظام‌مند و هدفمند است که با راهنمایی و رهبری نخبگان و همراهی عمومی مردم صورت می‌گیرد.

با چنین تفسیری از انقلاب می‌توان گفت امام موسی صدر یک انقلابی و یک اندیشمند و فعال انقلابی است.

درواقع صدر در پی تغییرات بنیادین ، نظام‌مند و هدفمندی در جامعه لبنان بود و بر آن بود تغییرات موردنظر خود را به‌تدریج در جامعه لبنان تحقق بخشد. تنها بخشی از این تغییرات مربوط به حوزه فرهنگی و اقتصادی و سیاسی جامعه شیعیان لبنان بود که بر اساس آن شیعیان توانستند به جایگاه واقعی و تأثیرگذار خود در جامعه لبنان دست یابند. کسب این جایگاه بی‌تردید با تعامل با دیگر جریان‌ها و گروه‌ها و مذاهب اسلامی و ادیان و قومیت‌های موجود در لبنان و باراهنمایی شخص امام موسی صدر به وجود آمد، سید موسی صدر صرفاً در پی اقدامات تند و خشونت‌آمیز و فاقد خردورزی نبود.

اضافه بر این در تعابیر برخی از هم‌دوره‌ای‌های امام موسی صدر نیز می‌خوانیم که نه‌تنها معتقد به انقلابی بودن ایشان هستند بلکه ایشان را در صف نخست انقلابیون قرار می‌دهند. آیت‌الله موسوی اردبیلی پیشینه انقلابی‌گری صدر را به سال‌های دهه بیست می‌برد و بر این نظر است که **سرمایه اولیه انقلاب اسلامی به یک جمع بیست‌نفره بازمی‌گردد که بر گِرد امام خمینی حلقه‌زده و امام موسی صدر نیز یکی از آن‌ها است**. به‌تصریح موسوی اردبیلی «اصل اولیه انقلاب، فکر انقلاب، فرهنگ انقلاب، ارزش‌های انقلاب، سنگ اولیه انقلاب به دست این‌ها گذاشته شد و امام موسی صدر در میان این‌ها در آن صف اول بود نه در صف‌های بعدی.» (یادنامه امام موسی صدر، ص ٤٠٦)

اگرچه نگاه موسوی اردبیلی ناظر به حوادث ایران است و انقلابی بودن ایشان را در مقایسه با فضای ایران می‌سنجد اما با توجه به نقش مهم و مؤثر صدر در حوادث لبنان در سال‌های ١٩٧٣ و ١٩٧٤ و تشکیل جنبش محرومان لبنان، می‌توان صدر را به‌عنوان یک رهبر انقلابی معرفی نمود. ایشان در این سال‌ها تجمعات بسیار بزرگی را در شهرهای بعلبک، صیدا و صور در راستای احیای حقوق شیعیان و محرومان لبنان برگزار نمود که نمونه‌اش در لبنان مشاهده نشده است. جنبش محرومان البته از همان ابتدا تحقق اهداف خود در برآورده ساختن حقوق محرومان و شیعیان را به‌صورت مسالمت‌آمیز دنبال می‌نمود.

گفتنی است **حرکت امام موسی صدر به‌عنوان رهبر جنبش محرومان لبنان بعد از تجمع بسیار بزرگ مردم در بعلبک به‌عنوان یک انقلاب مورد تحلیل و تجلیل قرارگرفته است. در همین زمینه سردبیر روزنامه النهار با انتشار سرمقاله‌ای به قلم سردبیر خود از این تجمع به‌عنوان یک انقلاب یاد می کند و تأکید می‌کند که این حرکت شیعیان حرکتی فرقه‌گرایانه نیست.**

بی‌تردید آنچه **امام موسی صدر در پی آن بود تحول باطنی و درونی انسان‌ها به‌منظور هدایت و تغییر خود و جامعه خود بود.** درواقع در این معنا اگر تحولی درونی در انسان رخ ننماید نمی‌توان تحولی در عرصه عمومی جامعه را مشاهده نمود. آنچه صدر در پی آن بود آمادگی و تغییر و تحول درونی انسان‌ها با خواست آزاد خودشان بود. ازاین‌رو نقش اختیار و آزادی انسان در این زمینه بسیار برجسته می‌شود. اگر انتظار این است که به جامعه صالح دست‌یابیم و جامعه از امکانات و توانایی‌های مثبت فربه شود چاره‌ای از آن نیست که انسان با اختیار و انتخاب آزاد خویش به این سمت‌وسو حرکت نماید. بنابراین، **سیاست صالح و سیاست متعالی محصول جامعه صالح و جامعه متعالی است.**

به همین ترتیب، جامعه صالح و متعالی، سیاست‌مدار صالح تحویل خواهد داد. طبیعی است که ایجاد چنین جامعه‌ای محصول کار تدریجی و درازمدت است که به نظر می‌رسد سید موسی صدر بر آن بوده است با صبر و حوصله و استقامت چنین جامعه‌ای را در طی بیست سال حضور و فعالیت در جامعه لبنان ایجاد نماید.